

از سوی دیگر ، باید خود را عادت داد که اطرافیان خویش را مرتب براخا نموده و در ازای هر خوبی که آنها با ما می‌کنند ، آنها را براخا نماییم و اگر شخصی سهواً یا عمدتاً به ما بدی نمود ، به جای نفرین ، باید او را بخشید و از خد-اوند خواست در ازای این بخشش ، تقاضاهای ما را انجام داده و مشکلات ما را حل نماید ، زیرا وقتی شخص خویشتن‌داری نموده و طرف مقابل را که بر ضد او بدی کرده ، می‌بخشد ، نزد خد-اوند محبوب است و امکان برآوردن آرزوهای وی ، بسیار زیاد می‌باشد.

اشخاص کهن را براخا می‌نمایند. پس باید این رفتار خد-اوند را الگو قرار داده و مرتب افراد قوم ییسرائل را براخا کنیم و باید مواظب بود تا شخصی را نفرین ننموده و یا پشت سر او غیبت نکنیم. بیش از همه ، باید مواظب بود که این غیبت و نفرین در مورد اشخاصی که مرتب با آنها در تماس هستیم ، به مانند افراد خانواده ، همکاران و اطرافیان نباشد ، زیرا با این افراد ارتباط بیشتری داشته و احتمال سخن‌چینی روی این افراد بیشتر است. خد-اوند دوست ندارد کسی قوم ییسرائل را نفرین نماید پس گاهی این نفرین به شخصی که نفرین کننده ، برمی‌گردد.

شخص ناذیر

بیت‌همیقداش گردد و زنی که زایمان نموده نیز برای ورود به بیت‌همیقداش ، لازم است این قربانی را بیاورد. از این رو ، شخص ناذیر که ناپاک شده ، باید این قربانی را بیاورد تا دوباره به درجه اول خویش برسد و ایام ناذیر بودن را از ابتدا شروع و در برابر خد-اوند مقدس شود.

از اینجا درمی‌یابیم وقتی که فرد ، درجه‌ای را به دست آورده ، اگر خد-ای ناکرده آن درجه را از دست بدهد ، برای دوباره رسیدن به آن درجه باید تلاش بیشتری نماید. حال در ایام شمارش عومر تلاش کردیم تا خود را برای دریافت توره آماده نماییم و در روز شاووعوت به توره مزکی شدیم. از این رو باید مواظب بود تا درجه‌ای را که به دست آورده‌ایم ، حفظ نماییم.

جا دارد سخنان ربی خیم شمولویص روحش شاد را ذکر نماییم که می‌فرماید: شخصی که به آموزش توره مشغول می‌شود ، اگر این آموزش بدون وقفه باشد ، قدوسیت این شخص بالا رفته و درجات بالاتری را در توره کسب می‌نماید ، ولی اگر در حین آموزش توره وقفه اندازد و صحبت بیهوده کند ، درجات خود را از دست می‌دهد. پس باید تمام سعی و تلاش خویش را بکنیم تا آموزش توره ما بدون وقفه و صحبت باشد.

در این پاراشا می‌خوانیم شخصی که نذر نموده که ناذیر باشد ، در طول مدتی که ناذیر است نباید یابین بنوشد و خود را با مرده ، ناپاک کند. اگر شخصی از نزدیکان او بمیرد و مجبور شود خود را با مرده ، ناپاک کند ، پس از طهارت از ناپاکی مرده ، باید موهای خویش را بتراشد و سپس دو قمری یا دو جوجه کبوتر بیاورد ، یکی برای قربانی عولا و دیگری برای قربانی خطا. سپس این شخص باید از اول روزهای ناذیر شروع نموده و در انتها گوسفندی را به عنوان قربانی ، آشام بیاورد.

همچنین در کتاب ویبقرا خواندیم ، شخصی که برص دارد ، یا زنی که زایمان نموده ، باید در روز طهارت خویش سپس دو قمری یا دو جوجه کبوتر یکی برای قربانی عولا و دیگری برای قربانی خطا بیاورند ، تا بتوانند وارد بیت‌همیقداش شده و از قربانی بخورند. حال این شخص ناذیر از ابتدا باید ناذیر بودن را شروع نماید پس چرا او این قربانی را می‌آورد؟

توره درباره شخص ناذیر می‌نویسد این شخص در برابر خد-اوند مقدس است. حال این شخص با مرده ، خود را ناپاک نمود ، باید این قربانی را بیاورد تا دوباره بتواند به آن درجه برسد که در برابر خد-اوند مقدس گردد ، هم چنان که شخصی که برص دارد ، به خاطر سختی ناپاکی خویش ، باید قربانی آورده تا بتواند دوباره وارد

روش غریزه بد

روزی این شخص بیمار گشت و به نزد پزشک رفت. پس از آزمایشات و معاینه ، دکتر به شخص گفت: "به سبب نوشیدن الکل زیاد ، کبد تو ضربه دیده و اگر فوراً نوشیدن الکل را قطع

ربی خیم پالاجی روحش شاد تعریف می‌نمود که در شهر وی شخصی زندگی می‌کرد که همواره مشغول نوشیدن مشروبات الکلی بوده و همواره مست می‌نمود. گاهی آنقدر مست بود که با صدای بلند آواز خوانده و خود را مسخره شهر می‌کرد.

این شخص نیز با خوشحالی از مطب دکتر بیرون رفت و یک لیوان خیلی بزرگ، به اندازه یک خمره آماده کرد تا هر شب شبات روی این لیوان قیدوش بگوید و به اندازه یک هفته یابین بنوشد! ربی خیم پالاجی با بیان این مورد فرمود:

غریزه بد نیز به همین صورت عمل می‌کند، ابتدا به شخص می‌گوید: "فقط یک لیوان بنوش" فقط همین یک گناه را انجام بده، ولی به تدریج با همین یک گناه، او را به گناهان بسیاری می‌کشد و در "همین فقط یک لیوان" گناهان بسیاری را جا می‌دهد. پس از همان ابتدا که غریزه بد به سراغ فرد می‌آید و سعی دارد او را وسوسه نماید، باید عاقل بوده که این گناه سرآغاز رشته گناهان دیگری است، پس از همان ابتدا باید دست رد به سینه غریزه بد بزند و خود را با گناه آلوده ننماید.

برگرفته از "مگید دواراو ليعقوب"

نکنی، به زودی عمر خود را از دست می‌دهی. تنها داروی تو نوشتن الکل است."

این شخص که به پطشک خود اعتماد داشت و می‌دانست دکتر خوبی او را می‌خواهد، ترسید و با صدای لرزانی گفت: "باشد جناب دکتر، من حرف شما را گوش داده‌م قول می‌دهم دیگر هیچ مشروب الکی ننوشم، ولی لطفاً اجازه دهید حداقل هفته‌ای یک بار، لیوان یابین قیدوش شب شبات را بنوشم."

دکتر از او پرسید: "فقط یک لیوان یابین آن هم برای قیدوش؟" آن شخص پاسخ داد: "بله آقای دکتر، فقط همین یک لیوان یابین قیدوش."

دکتر گفت: "باشد، اگر قول می‌دهی فقط همین یک لیوان را بنوشی، تو می‌توانی هفته‌ای یک بار این یابین قیدوش را بنوشی."

برای نزدیکی به خداوند

موفق باشد. حال روسها از نسل عساو می‌باشند و طبق براخای پدر جد خود، در شمشیرزنی و جنگ رو در رو موفق هستند و ترکها که از نسل ییشمائل هستند، طبق براخای پدر جد خود در تیراندازی و نشانه گرفتن موفق می‌باشند.

ربی خیم شمولویص روحش شاد با شنیدن این مورد فرمود: "ییشمائل از جانب خداوند برکت شد تا در تیر و کمان موفق باشد، ولی او با این براخا چه کرد؟ او در بیابان راهزن شد و به شکار انسان و حیوان مشغول گشت. حال خداوند به هر کس در یک موضوعی موفقیت می‌دهد و گاهی رحمت خداوند شامل حال او می‌گردد و دست به هر کاری بزند، موفق می‌شود، پس او باید عاقل باشد و از این موفقیتها در راه درست استفاده و تلاش نماید از این فرصت استفاده نموده تا در عبادت خداوند پیشرفت داشته باشد، نه اینکه این فرصت را برای اهداف بیهوده هدر دهد، بلکه باید از این فرصت برای نزدیکی به خداوند استفاده نماید.

برگرفته از "مگید دواراو ليعقوب"

نزدیک به صد سال پیش، جنگی بین روسیه و ترکیه در گرفت که این جنگ مدت زمان بسیاری به طول انجامید. یک روزنامه نگار نظامی به جبهه اول جنگ رفت و گزارشی از صحنه جنگ تهیه نمود و در آن گزارش نوشت: در این جنگ متوجه اتفاق عجیبی شدم، هر موقع جنگ رو در رو در می‌گرفت و سربازان رو در رو با هم می‌جنگیدند، روسها پیروز می‌شدند، ولی وقتی هر طرف در سنگر خود بود و تیراندازی می‌کردند، دست ترکها بالا بود و آنها پیروز می‌شدند. من هر چه فکر کردم، توضیح منطقی برای این پدیده پیدا نکردم.

این مورد را برای هخافص خیم روحش شاد تعریف کردند و خافص خیم فرمود: "این اصلاً عجیب نیست و خیلی هم منطقی است، زیرا این مورد به طور واضح در توره نوشته شده است." یکی از شاگردان پرسید: "ببخشید جناب راو، همه ما توره را خوانده‌ایم، ولی در توره نه روسیه و نه ترکیه ذکر نشده است." خافص خیم در پاسخ فرمود:

بگذارید برای شما توضیح دهم، وقتی ییصحاق آوینو فرزند خویش عساو را براخا نمود، به او گفت: "با تکیه بر شمشیر خودت زنده باش." و براخای ییشمائل این بود که در شکار با تیر و کمان

پنج دقیقه برای آموزش توره

به چشم آمده و چون این قطرات مرتب می‌ریزند ، در نهایت صخره را سوراخ می‌کنند.

ربی شالوم در ادامه فرمود: "شاید ما هم مشغول آموزش توره می‌شویم و با خود فکر می‌کنیم این آموزش هیچ تأثیری روی ما ندارد ، ولی در واقع این آموزش روی ما تأثیر بسیاری دارد ، حتی اگر اکنون این تأثیر به چشم نمی‌آید، ولی اگر در آموزش توره پشتکار داشته ، پس از چند وقت تأثیر آن را خواهیم دید."

ربی یعقوب گالینسکی تعریف فرمود:

"همواره ، در ابتدای ماه الول ، هخافص خیمه دراشا می‌نمود و هر سال همان دراشا را بازگو می‌کرد. هخافص خیمه دراشای خود می‌فرمود: همه می‌دانیم روسیه سرزمین سردی است و در آن اتروگ رشد نمی‌کند ، پس هر ساله اتروگ را از کشور دیگری می‌آورند و قیمت اتروگ از پانصد روبل به بالا است و گاهی یک اتروگ آنقدر گران است که فقط می‌توان برای کل شهر یک اتروگ خرید. حال شخص با این اتروگ گران چند میصوا انجام می‌دهد؟ فقط یک میصوا!

حال من امتحان کرده و متوجه شدم در هر دقیقه ، شخص می‌تواند دویست کلمه از دهان خود خارج نماید و اگر وی مشغول آموزش توره شود ، با یک دقیقه آموزش ، دویست میصوا ، با پنج دقیقه ، هزار میصوا انجام داده است. حال آیا شخصی هست که بگوید پنج دقیقه برای آموزش توره مهم نیست؟! "

برگرفته از کتاب "لهکید"

در مورد ربی عقیوا تعریف شده قبل از این که مشغول آموزش توره گردد، از کنار رودخانه‌ای رد شد و متوجه گشت آب رودخانه در جایی سرازیر شده و قطرات آب توانسته‌اند به مرور زمان صخره‌ای را سوراخ نمایند و راه خود را باز کنند. ربی عقیوا با مشاهده این مورد پرسید:

"چطور چنین موردی ممکن است؟ چطور آب می‌تواند دل سنگ را سوراخ نماید؟"

در پاسخ به ربی عقیوا گفتند: "مگر نمی‌دانی ، آب که پشت سر هم سرازیر می‌شود ، به مرور زمان می‌تواند حتی سنگ را نیز بساید و سوراخ کند."

ربی شالوم شبدرودن در این باره فرمود: "مگر خود ربی عقیوا در آنجا نبود و با چشمان خود ندید که آب ، صخره را سوراخ کرده ، پس چرا این سؤال را پرسید؟"

ربی شالوم شبدرودن در پاسخ فرمود: "بلکه سؤال ربی عقیوا این بود:

وقتی یک قطره آب روی صخره می‌افتد ، ما نمی‌بینیم این قطره آب روی صخره اثری گذاشته ، حتی پس از چکیدن هزار قطره ، نمی‌بینیم که این قطرات آب روی صخره اثری گذاشتند ، پس اگر قطره اول ، قطره دوم و قطره ... روی این صخره هیچ اثری نمی‌گذارند ، چطور پس از چند مدت این صخره سوراخ می‌شود؟" در پاسخ به ربی عقیوا گفتند: "این تأثیر از همان قطره اول شروع می‌شود ، اما این تأثیر آنقدر کوچک است که به چشم نمی‌آید ، شاید این تأثیر یک میلیاردم یک سوراخ باشد و شاید حتی کوچکتر ، ولی باز هم این یک تأثیر است ، ولی پس از چند سال ، این تأثیر

قابل توجه خوانندگان گرامی

در مملهای ذیل امکان دریافت نشریه چاپ شده وجود دارد و به هیچ عنوان نماینده‌ای

برای جمع‌آوری کمک به نشریه ندارد:

* **یروشالیم:** گئولا ، فیابان ملفی ایسرائل شماره ۲۵ فروشگاه آقای فرجیان

* **تل آویو:** فیابان علیا شماره ۲۳ ، آقای کهن فولادی ۹۳۷۸۲۸۱-۵۴۰ * **کفرسابا:** آقای موشی کهن تلفن ۳۵۶۱۵۲۹-۵۲۰

* **ناتانیا:** آقای فرهاد تراشندگان تلفن ۸۶۸۶۸۸۶-۵۲۰ * **بیطار:** خانواده آقای نورانی تلفن ۸۱۴۲۸۹۳۶-۵۴۰

* **تارنمای:** [پاراشای هفته ۱](#) [پاراشای هفته ۲](#)